

سنوات الاتقیاء

تذکره عمومی صوفیان، در قرن یازدهم هجری

دکتر ساجدالله قهیمی
رئیس بخش فارسی
دانشگاه کراچی / پاکستان

در شبه قاره پاکستان و هند تذکره نویسی یک سنت قدیمی در ادب فارسی بوده و سابقه درخشانِ نه قرن داشته است، که با تالیف اولین تذکره صوفیه بزبان فارسی بنام کشف المحجوب اثر شیخ ابوالحسن علی بن عثمان الغزنوی الهجویری (م. بعد از ۴۶۴ هـ) در اواسط قرن پنجم هجری آغاز شده و در ادوار مختلف پیش از مغول و در دوران مغول و پس از مغول تا عصر حاضر پیشرفت شایانی نموده است؛ و در این زمان طولانی صدها تذکره شعرا و علما و امرا و صوفیه بزبان فارسی نوشته شده که اکثر آنها تا این زمان به صورت چاپی یا خطی موجود و مورد استفاده دانشمندان و پژوهشگران امروزه می باشد.

تذکره مورد نظر سنوات الاتقیاء تالیف شیخ بدرالدین سرهندی که از متخصصان تذکره نویسی در شبه قاره بوده و چند تذکره از خود باقی گذاشته، یکی از تذکره های مهم و پُر ارزش صوفیه ایست که در اواسط قرن یازدهم هجری تالیف شده. پیش از این که تذکره حاضر را مورد بررسی قرار دهیم، شرح احوال مؤلف آن را به اختصار در زیر می آوریم:

شرح احوال مؤلف

اسم مؤلف «بدرالدین»^۱ است چنانکه خود او در آغاز سنوات الاقیاء می‌نویسد:

«کمترین خاکساران احمدی «بدرالدین» بن شیخ

ابراهیم سرهندی عفی عنهما مکشوف ضمائر اولی

البصارت می‌گرداند که ...»^۲

سلسله نسب او به بیست و چهار واسطه به خلیفه اول حضرت ابوبکر

صدیق رضی الله عنه می‌رسد، بدین طریق که:

شیخ بدرالدین سرهندی بن شیخ ابراهیم بن شیخ

عبدالرحمن معروف به متها بن شیخ خلیل الله بن

شیخ محمد بن شیخ عبدالله بن شیخ عمر بن شیخ

عثمان بن شیخ محمد بن شیخ علی بن شیخ

ابوطالب بن قاضی علی بن ابومحمد قاسم بن شیخ

علی بن شیخ جعفر بن شیخ محمد بن شیخ علی بن

شیخ حسن بن شیخ محمد بن نصر بن قاسم بن

محمد بن عبدالرحمن بن قاسم بن محمد بن

ابی بکر صدیق^۳ رض.

بدر بزرگوار او، شیخ ابراهیم مخزنی^۴ یکی از معارف علما و عرفای

۱. پروفیسر محمد فرمان در تالیف خود حیات مجدد (ص ۹ - ۲۸۸) نام شیخ را «محمد بدرالدین» نوشته که در آن اضافه «محمد» اشتباه است. شیخ بدرالدین در هر دو کتاب خود حضرات القدس و سنوات الاقیاء اسم خود را «بدرالدین» نگاشته است و بنظر این جانب قول شیخ در این باره موثق و قابل اعتماد می‌باشد.

۲. سنوات الاقیاء، تالیف شیخ بدرالدین سرهندی؛ نسخه خطی برگ اب.

۳. همان کتاب، برگ ۱۸۰.

۴. شیخ ابراهیم معروف به مخزنی یکی از علما و محدثین و مفسرین سرهند بود. او در سال ۹۴۸ هجری در سرهند متولد شد و همانجا نشو و نما یافت. تحصیلات دینی و ادبی خود را در محضر حاجی ابراهیم سرهندی که استاد و مرتبی شهزاده مغول (سلیم) هم بود، فرا گرفت. پس از پایان تحصیلات، او بتدریس و افاده پرداخت و علاوه بر تدریس کتابهای دقیق شعر و تصرف، او درین مخزن الاسرار نظامی هم می‌داد و به همین سبب به لقب «مخزنی» شهرت یافت.

شیخ ابراهیم در زمان دانشجویی به حلقه ارادت سید شاه قمیص قادری در سلسله قادریه درآمد و پس از طی مراحل سلوک به دریافت خرقه و اجازت خلافت نایل گردید. او از مشایخ دیگر مانند شیخ محمد غوث گوالیاری (م ۹۷۰ ه) و شیخ سلیم سیکری وال (م ۹۷۹ ه) و جلال الدین

سرهند بود و در سلسله قادریه با سید شاه قمیص قادری^۱ ارادت داشت. شیخ بدرالدین ذکر پدر بزرگوار را در سنوات الاتقیاء به تفضیل آورده است.^۲

شیخ بدرالدین در شهر معروف سرهند متولد شد. کسی از تذکره نویسان سال تولد او را ذکر نکرده است و خود شیخ هم درین ضمن در سنوات الاتقیاء و حضرات القدس اشارتی نیاورده؛ البتّه بنابر بعضی وقایع زندگانی او که در حضرات القدس بیان شده و بقرار زیر است، بتوان سال تقریبی تولد او را تعیین کرد:

یکی اینکه او در پانزده سالگی به حلقه ارادت شیخ احمد سرهندی معروف به حضرت مجدد الف ثانی وارد شد،^۳

دوم اینکه او مدّت هفده سال تا وفات حضرت مجدد در سال ۱۰۳۴ هـ در خدمت او بوده است.^۴

این دو نکته دلالت بر این دارد که عمر شیخ در سال ۱۰۳۴ هـ سی و دو سال بود و از روی این حساب سال تولد او ۱۰۰۲ هـ بر می آید.

شیخ بدرالدین ظاهراً بیشتر تحصیلات خود را در سرهند از استادان مختلف فراگرفت؛ البتّه درین زمینه هیچ گونه تفصیل در دست نیست جز این که

→ تها نسیری (م ۹۸۹ هـ) نیز استفاضه کرده.

شیخ ابراهیم بالآخر بتاريخ ۲۹ شوال ۱۰۲۱ هجری در سرهند وفات یافت و در مشرق سرهند نزد قبر شاه ابوبخاری مجذوب مدفون گردید.

رک. سنوات الاتقیاء، برگ ۱۱۷۹ تا ۱۸۰ ب.

۱. سید شاه قمیص قادری بن ابوحیات بن شاه تاج الدین احمد بن شاه بهاء الدین محمد بن شاه جلال الدین احمد بن شاه داؤد بن جمال الدین علی بن شاه ابوصالح نصر بن شاه عبدالرزاق گیلانی بن شاه عبدالقادر گیلانی در بنگاله متولد شد و در اوایل عمر در سال ۹۰۰ هـ به سادهورا (خضربآباد) هجرت نموده همانجا نشو و نما یافت و تحصیلات متداوله را فراگرفت. او بیشتر زندگانی را در سادهورا بسر برده در اواخر به مولد خود برگشت و همانجا بتاريخ ۳ ذیقعد ۹۹۲ هجری وفات یافت. جسد او را از آنجا آورده به سادهورا دفن کردند.

اخبار الاخیار ص ۱۰-۲۰۸؛ سنوات الاتقیاء، برگ ۱۱۷۱ و ب و ۱۷۹ ب و ۱۸۰ ب

خزینة الاصغیا جلد ۱، ص ۱۱۳۵؛ نزهة الخواطر جلد ۴، ص ۲۷۲.

۲. سنوات الاتقیاء، برگ ۱۱۷۹ تا ۱۸۰ ب.

۳. حضرات القدس، ص ۳۸۶.

۴. همان کتاب، ص ۱۵۷.

او بعضی کتب را در محضر خواجه محمد صادق^۱ پسر بزرگ شیخ احمد سرهندی و پس از وفات او در ۱۰۲۵ هـ برخی کتب دیگر را از خود شیخ احمد خواند؛ چنانچه او در حضرات القدس درین باره چنین می نویسد:

(۱) «این حقیر شرح مواقف و بیضاوی و عضدی با حاشیه میر در خدمت آنحضرت (= حضرت مجدد) خوانده است و بسعادتی آنحضرت نیز مستسعد گشته»^۲.

(۲) «این حقیر جامع این کتاب حضرات القدس، مطول با حاشیه میر و شرح عقاید با حاشیه خیالی و تحریر اقلیدس و شرح مطالع با حاشیه میر بخدمت آن مخدومزاده (= خواجه محمد صادق) گذرانده، و بعد از ارتحال ایشان شرح مواقف و تفسیر بیضاوی بخدمت حضرت ایشان (= حضرت مجدد) خوانده»^۳.

نکته ای که درین مورد قابل توجه است، اینست که شیخ بدرالدین در سال ۱۰۱۷ هـ حلقه ارادت حضرت شیخ مجدد الف ثانی را بگوش کرده بود^۴ در حالیکه خواجه محمدصادق پس از تکمیل تحصیلات خود در ۱۰۱۹ هـ آغاز بکار تدریس کرد و تا وفات خود در ۱۰۲۵ هـ این شغل را ادامه داد؛^۵ نظر به این

۱. خواجه محمدصادق فرزند بزرگ شیخ احمد سرهندی حضرت مجدد الف ثانی در سال ۱۰۰۰ هجری در سرهند متولد شد. پس از فراگرفتن تحصیلات رسمی از پدر بزرگ خود شیخ عبد الاحد فاروقی و مولانا طاهر لاهوری و مولانا معصوم کابلی تا هیجده سالگی، او در سال ۱۰۱۹ هجری بتدریس و افاده پرداخت. مدارج عرفانی و منازل سلوک طریقت را به راهنمایی پدر بزرگوار حضرت مجدد الف ثانی طی نموده از و در ماه جمادی الثانی سال ۱۰۲۱ هـ خرقه خلافت پوشید. او افاده علمی و افاضه روحانی را تا آخر حیات ادامه داد و بالاخر بتاريخ نهم ربیع الاول ۱۰۲۵ هـ از مرض طاعون وفات یافت و در سرهند مدفون گردید.

حضرات القدس، ص ۲۲۰ تا ۲۲۳؛ نزهة الخواطر جلد ۵، ص ۶-۲۲۵.

۲. حضرات القدس، ص ۸۹.

۳. همان کتاب، ص ۲۲۳.

۴. همان کتاب، ص ۳۸۶.

۵. رک پاورقی شماره ۱ در همین صفحه.

نکته می‌توان نتیجه گرفت که شیخ بدرالدین در سالهای ۱۰۱۷ هـ تا ۱۰۱۹ هـ در محضر حضرت مجدد زانوی تلمذ طی کرده است؛ و این نتیجه از بیان زیر خود شیخ هم مورد تأیید قرار می‌گیرد:

«این فقیر را در عنفوان شباب اکثر اوقات از استعلای حال ذوق خواندن نمی‌شد؛ [با] مهربانی تمام می‌فرمودند که سبق بیار و بخوان که صوفی جاهل مسخره شیطان است.»^۱

شیخ بدرالدین، چنانکه قبلاً اشارتی به آن آورده‌ایم، حلقه ارادت شیخ احمد سرهندی حضرت مجدد الف ثانی را در سلسله نقشبندیه بگوش کرده بود. او پیش از ارادت رسمی گاه گاه برای ادای نماز جمعه به مسجد حضرت مجدد می‌رفته سخنان و خطابه‌های او را بتوجه خاصی گوش می‌کرد و طریق عبادت و نماز او را بدقت مشاهده می‌نمود و تحت تاثیر شدید آن قرار می‌گرفت؛ چنانکه می‌گوید:

«این حقیر پیش از انتظام در زمره خدام آن امام همام گاه گاه در نمازهای جمعه به مسجد ایشان می‌رسید، و نمازگزاردن ایشان را که می‌دید، بی‌اختیار از جا می‌رفت... و این حقیر را بلکه جمع کثیر را موجب اعتقاد و ارادت نماز با نیاز ایشان شده.»^۲

و بالاخره به عمر پانزده سالگی که مصادف با سال ۱۰۱۷ هـ می‌باشد، به حلقه مریدان حضرت مجدد وارد شد و هفده سال، گویا تا وفات شیخ در سال ۱۰۳۴ هـ در خدمت او بوده علاوه بر استفاده علمی و استفاضه روحانی و عرفانی، خدمات مختلف خانقاهی را نیز انجام داد. در اثنای این مدت مراحل تربیت و تکامل روحانی را در سرپرستی و تحت نظارت حضرت شیخ طی نموده بگرفتن خرقه و اجازت خلافت ازو نایل گردید.^۳ شیخ بدرالدین چگونگی

۱. حضرات القدس، ص ۸۹.

۲. همان کتاب، ص ۹۰.

۳. حضرات القدس، ص ۹۰ و ۱۵۷ و ۳۴۲ و ۳۸۶.

استفاضه و طی مدارج راه سلوک را در حضرات القدس در موارد مختلفه بتفصیل مرقوم نموده است.^۱

شیخ بدرالدین در سرهند سکونت داشت و بیشتر عمر خود را در حضرات به کارهای تالیف و افاضه و افاده بسر برد و هیچ مسافرت طولانی که در ذیل عنوان سیاحت و جهانگردی قرار بشود، انجام نداد؛ البته او در حضرات القدس و سنوات الاقبا اشاره‌ای به دو سفر کوتاه کرده است. طبق روایت سنوات الاقبا او در اثنای سفر لاهور به لدیانه رسیده آنجا به زیارت مزار میرسیدعلی^۲ نایل گردید.^۳

مسافرت دیگر را در حضرات القدس بتفصیل بیان کرده است. درین مسافرت او از راه پانی‌پت و دهلی به اکبرآباد رسید و مدتی آنجا بوده سپس همراه قافله شاهی به اجمیر و بعد از راه دهلی و پانی‌پت به سرهند مراجعت نمود و در این شهرها از زیارت بزرگان و مزارات صوفیه مستسعد گشت.^۴ چون مسافرت شاهجهان از اکبرآباد به دهلی در سال ۱۰۴۶ هـ اتفاق افتاده بود،^۵ بنابراین زمان مسافرت دوم شیخ را بتوان در همین سال (۱۰۴۶ هـ) تعیین کرد.

سال وفات شیخ بدرالدین هم دقیقاً معلوم نیست؛ البته بدلیل این که سال تالیف حضرات القدس و سنوات الاقبا و بعضی کتابهای دیگر در سال ۱۰۵۲ هـ بوده و قرینه‌ای برای ادامه کار تصنیف و تالیف شیخ هم فعلاً وجود ندارد، می‌توان گفت که شیخ بدرالدین در ۱۰۵۲ هـ یا بعد از آن سال وفات یافت.

۱. همان کتاب، ص ۳۸۶ تا ۴۰۶.

۲. میرسیدعلی که یکی از ارادتمندان یکی از مشایخ معروف قادریه بنام شیخ عبدالرزاق جهنجهانوی (م ۵۰-۹۲۹ هـ) بود، در سال ۱۰۲۲ هـ وفات یافت. مقبره او در شهر لدیانه، (پنجاب شرقی در هند) قرار دارد.

۳. اخبارالاخیار، ص ۲۳۷؛ سنوات الاقبا، برگ ۱۵۶ ب.

۴. سنوات الاقبا، برگ ۱۵۶ ب.

۵. حضرات القدس، ص ۱۱-۴۰۶.

۵. سیرالمتأخرین، جلد ۱، ص ۲۶۵.

آثار:

چنانکه قبلاً اشاره شد، شیخ بدرالدین پس از پایان تحصیلات در بیشتر اوقات زندگانی خود در کارهای تالیف و تصنیف و ترجمه مشغول بوده و عده‌ای آثار در موضوعات مختلفه از خود بیادگار گذاشته است. بعضی از آنها به قرار ذیل است:^۱

- ۱- سیر احمدی در ذکر و شرح مقامات روحانی و عرفانی حضرت مجدد آلف ثانی، که پیش از ۱۰۳۴ هـ (سال وفات حضرت مجدد) تالیف شده؛
- ۲- کرامات الاولیا در ذکر و شرح کرامات و خوارق عادت پس از مرگ بعضی از مشایخ صوفیه، که پیش از سال ۱۰۴۵ هـ نوشته شده؛
- ۳- ترجمه فتوح الغیب تالیف شیخ عبدالقادر گیلانی (رح) از عربی به فارسی، که کمی بعد از ۱۰۳۴ هـ به پایان رسیده؛
- ۴- ذوایح شرح و تفسیر مصطلحات عرفانی سلسله‌های قادریه و نقشبندیه، که پیش از ۱۰۴۴ هـ تالیف گردیده؛
- ۵- مجمع الاولیا، تذکره عرفانی شامل شرح حال ۱۵۰۰ نفر از مشایخ صوفیه سلسله‌های مختلف، که در ۱۰۴۴ هـ نوشته و در ۱۰۴۷ هـ تجدید نظر شده؛
- ۶- مقامات غوث الثقلین ترجمه کتاب بهجة الاسرار (تذکره شیخ عبدالقادر جیلانی (رح) از عربی به فارسی، که آغاز آن به فرمایش شاهزاده داراشکوه در ۱۰۴۷ هـ بوده؛
- ۷- ترجمه روضة النواظر که به فرمایش شاهزاده داراشکوه پیش از ۱۰۵۲ هـ از عربی به فارسی ترجمه شده؛
- ۸- وصال احمدی، تذکره احوال زندگانی حضرت شیخ احمد سرهندی و خوارق عاداتی که پیش و پس از مرگ آن بزرگوار اتفاق افتاد.
- ۹- سنوات الاتقیاء، که در صفحات آینده مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. شیخ بدرالدین این تالیفات را در حضرات القدس و سنوات الاتقیاء در موارد مختلفه ذکر نموده است.

حضرات القدس، ص ۹-۱۵۸؛ سنوات الاتقیاء، برگ ۱۴۶ و ۱۶۵ و ۱۶۸ و ۱۸۳. اب.

- ۱۰- حضرات القدس، تذکره بعضی از مشایخ نقشبندیه که در حدود ۱۰۵۲ هـ
تالیف گردید.^۱
- ۱۱- ترجمه تفسیر عرایس الیّان تالیف روزبهان بقلی که بخواهدش شاهزاده
داراشکوه پیش از ۱۰۵۲ هـ آغاز کرده بود و تا تکمیل حضرات القدس در
۱۰۵۲ هـ یک چهارم این کتاب را از عربی به فارسی ترجمه نموده.^۲

سنوات الاتقيا

سنوات الاتقيا از اهم تصانیف شیخ بدرالدین سرهندی و یک تذکره عمومی صوفیه
سلاسل مختلفه از حضرت آدم علیه السلام تا عصر مولف می باشد. این تذکره از
تذکره های نادر صوفیه است و وجود فقط دو نسخه خطی آن تا کنون متحقق شده:
یکی در کتابخانه شخصی مولوی الیف الله عثمانی در سرگردا (پاکستان) و دومین
در کتابخانه دارالعلوم دیوبند (هند) و یک نسخه در یکی از کتابخانه های لندن که
درگذشته نزدیک کسی درباره آن به بنده اطلاع داده ولی وجود آن با تعیین کتابخانه
و مشخص نسخه تا نوشتن مقاله در دست، متحقق نشده است.

البته نگارنده عکسهای دو نسخه اول را در دست دارم. از اینها نسخه اول
کامل و فعلاً مورد استفاده ماست؛ نسخه دوم دارالعلوم دیوبند ناقص و از آغاز و
انجام افتاده است و آب زده و استفاده وافى از آن خیلی دشوار و شاید
بعیدالامکان می باشد؛ بنابراین ما فعلاً از این نسخه با وجود اینکه مزیتها هم دارد،
صرف نظر کرده، مقاله حاضر را فقط بر نسخه اول مطرح می کنیم و سنوات الاتقيا
را از روی همین نسخه به عناوین مختلفه در این صفحات مورد معرفی و بررسی
مختصری قرار می دهیم:

۱) مشخصات نسخه خطی:

۱- اوراق ۱۹۱ (۳۸۲ صفحه)

۱. مصحح حضرات القدس مولانا محبوب الهی این تاریخ را پس از بحث مفصّلی در مقدمه کتاب استنتاج
کرده است. رک حضرات القدس، ص ۴ و ۶.

۲. حضرات القدس، ص ۱۵۹.

۲- محتویات تذکره رجال معروف دینی و عرفانی از حضرت آدم علیه السلام تا ۱۰۴۷ هـ.

۳- آغاز «الحمد لله الذی تجلی لسرائر الانبیاء و الاولیاء بالذات و الصفات و الصلوة و السلام علی حبیبه و علی اله و صحبه الاتقیاء الابرار و علی من تابعه من الکمل ذوی الاسرار اما بعد...»^۱

۴- انجام: (۱) از مؤلف: «شیخ سلطان محمد ورسکی از بزرگان وقت است. خلیفه اکمل شیخ خلیل الله بدخشانی است. بعد از ارتحال شیخ رجوع طلاب آن دیار سوی وی بود. بماه جمادی الاول سنه ۱۰۴۷ هجری از این دار ملال درگذشته در شهر ورسک مدفون یافت. (آفتاب عالمات هدی) تاریخ اوست.»^۲

(۲) از کاتب: «تمت تمام شد نسخه موسومه سنوات الاتقیاء من تصنیف شیخ بدرالدین بن شیخ ابراهیم شیرهندی (کذا) عفی الله عنهم و جمیع المسلمین برحمتک یا ارحم الراحمین. کاتب العاصی و مالک هذا الكتاب بنده ایزدی شیخ محمد یسین پانی پتی ولد نجابت مآب حضرت شیخ فضل علی صاحب حاجی الحرمین یغفر الله لهم و جمیع المؤمنین. بعونه تعالی نسخه هذا بتاریخ غرة ذیقعدة يوم جمعه سنه ۱۲۶۲ هجری اتمام یافت.»

(مهر کاتب)^۳

۵- خط: شکسته

۶- کاتب: شیخ محمد یسین بن فضل علی پانی پتی

۷- تاریخ کتابت: یکم ذیقعدة ۱۲۶۲ هجری

۱. سنوات الاتقیاء برگ اب.

۲. همان کتاب، برگ ۱۹۱.

۳. همان کتاب، برگ ۱۹۱.

۲) سبب تالیف:

شیخ بدرالدین سرهندی سنوات الاتقیا را به فرمایش بعضی از دوستان خود تالیف کرده است چنانکه می‌گوید:

«بعضی احبای واجب الاطاعت از این مسکین درخواست نمودند که در این علم شریف کتابی موجز که محتوی بر مجمل احوال انبیا و آل و اصحاب کرام و اولیاء اعلام و سلاطین ذوی الاحترام... تالیف نمایی که اخذ این آثار از کتب محققان اخیار و راویان اخبار بر ما تعسر و تمذّر دارد. بنابر التماس شان این نیازمند از کتب مبسوط... استخراج نموده جمع ساخت.»^۱

۳) تاریخ تالیف:

شیخ بدرالدین تالیف کتاب را در سال ۱۰۴۵ هـ از سرگرفت چنانچه او در ضمن تسمیه کتاب ماده تاریخ آغاز را چنین می‌آورد:

«و نام این کتاب سنوات الاتقیا نهاد و از کلمه (هومأثر الصدیقین) تاریخ آغاز این کتاب بیرون افتاد.»^۲

تاریخ تکمیل را خود مؤلف و یا کسی از تذکره‌نویسان او بیان نکرده است؛ ولی باز هم با توجه به نکات زیر بتوان تاریخ تقریبی تکمیل آن را تعیین کرد:

۱- سنوات الاتقیا و حضرات القدس به یک دیگر ارجاع داده شده است^۳ و این امر دلالت دارد بر این که هر دو کتاب در یک زمان در مرحله تالیف و ترتیب بوده است؛ و امکان قوی دارد که تکمیل آنها هم همزمان یا بفاصله کمی بعمل آمده باشد.

۲- حضرات القدس در سال ۱۰۵۲ هـ پایان رسید.^۴

۱. سنوات الاتقیا، برگ اب و ۱۲.

۲. همان کتاب، برگ ۱۲.

۳. حضرات القدس، ص ۱۵۸؛ سنوات الاتقیا، برگهای ۱۶۵ و ۱۱۳۲ و ۱۷۶ ب.

۴. حضرات القدس، ص ۶.

۳- در سنوات الاتقیاء سال وفاتِ آخرین شخص بنام سلطان محمد، ۱۰۴۷ هجری مذکور است.^۱ با کمی تأمل در سه نکته فوق استنتاج می‌شود که سنوات الاتقیاء بعد از ۱۰۴۷ هـ و کمابیش در حدود سال ۱۰۵۲ هـ پایان رسیده است.

(۴) ترتیب و محتویات:

- سنوات الاتقیاء را می‌توان بطور کلی به سه قسمت مهم زیر تقسیم کرد:
- ۱- (آغاز) که علی الترتیب مشتمل است بر حمد و نعت و نام مؤلف و سبب تالیف و منابع مهم و نام و ماده تاریخ آغاز کتاب؛
 - ۲- مقدمه: مشتمل بر تذکره اشخاص معروف (= انبیا و بعضی معارف دیگر) دوره قبل از اسلام از تخلیق حضرت آدم علیه السلام.
 - ۳- دوره بعد از اسلام: مشتمل بر تذکره احوال اشخاص برگزیده (شامل حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و اصحاب معروف او و علما و دانشمندان دینی و عرفانی و بعضی از رجال مهم سیاسی) و بعضی از وقایع مهم تاریخی با مراجعه خصوصاً به شبه قاره دوره اسلامی تا ۱۰۴۷ هجری. این کتاب بطور کلی شامل ذکر ۵۲۲ شخص می‌باشد که ۴۸ از آنها تعلق به دوره قبل از اسلام دارد و بقیه ۴۷۴ متعلق‌اند به دوره بعد از اسلام.

(۵) مأخذ و منابع:

مؤلف در آغاز کتاب، مأخذ و مراجعی را که در ضمن تالیف سنوات الاتقیاء مورد استفاده او بوده، نام می‌برد و می‌گوید:

«... بنابر التماس شان این نیازمند از کتب مبسوط مثل جامع الاصول ابن اثیر و اصابه فی معرفت الصحابة و مرآة الجنان امام یاقعی و طبقات الفقهاء شیخ ابواسحاق شیرازی و تقریب التهذیب و تاریخ ابن خلکان و طبقات صوفیه شیخ ابوعبدالرحمن سلمی و تاریخ یمین شیخ ابدل و مختصر اصول جزری و سیرالسلف و مقصی اقصی و تحفة المملکیة و قصص الانبیاء

و تذكرة الاوليا و كشف المحجوب وضوء لامع سخاوی و نفحات و رشحات و تاريخ همايونی و غير آن استخراج نموده جمع ساخت. و احوال و سنوات وصال متاخران که ذکرشان بر صفحه تالیف عزیزى نقش نبسته، باطلاع خود یا استطلاع از ثقات برنگاشت.^۱

با توجه به بیان فوق، کلیه منابع مشارالیه را می توان به سه دسته زیر تقسیم کرد:

- الف) کتب و رسایل: مخصوصاً برای اشخاص ادوار سابق و قدیم؛
 ب) روایات و اقوال معاصرین: برای اشخاص دوره متأخر متصل به زمان مؤلف که احوال آنان در کتب موجود نبوده.
 ج) اطلاعات شخصی که بیشتر متعلق به اشخاص معاصر مؤلف بوده.
 فهرست کتب منابع از روی بیان مذکور الصدر مؤلف، به ترتیب القبایی بقرار زیر است:

- ۱- الاصابة فی تمييز الصحابة^۲: تالیف شهاب الدین ابوالفضل احمد بن علی بن محمد بن علی بن احمد الکتانی العسقلانی معروف به ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ).
- ۲- تاریخ ابن خلکان: وفيات الاعیان و انباء ابناء الزمان معروف به تاریخ ابن خلکان تالیف شمس الدین ابوالعباس احمد بن ابراهیم بن ابوبکر بن خلکان.
- ۳- تاریخ همايونی: نیز معروف به تاریخ ابراهیمی تالیف ابراهیم بن جریر، معنون بنام شاهنشاه با بُر؛
- ۴- تاریخ یمین: تالیف شیخ ابدال (؟)
- ۵- تحفة الملكية: (؟)
- ۶- تذكرة الاوليا: تالیف شیخ فریدالدین عطار نیشاپوری (م ۶۱۸ هـ)
- ۷- تقریب التهذیب: تالیف ابن حجر عسقلانی

۱. سنوات الاقبياء، برگ اب و ۱۲.

۲. در سنوات الاقبياء نام این کتاب «اصابه فی معرفة الصحابه» آمده است؛ ولی در معاجم معروف مانند كشف الظنون و معجم المطبوعات و فهرستهای نسخ خطی کتابخانه های معروف جهان در دست، کتابی بمنوان اصابه فی معرفة الصحابه بنگاه ما نخورد. و ما بداهة اختلاف نام کتاب را اشتباه مؤلف یا كاتب تصور می کنیم.

- ۸- جامع الاصول لاحادیث الرسول: تألیف مبارک بن محمد معروف به ابن الاثیر الجزری الشافعی (م ۵۶۰۶ هـ)
- ۹- رشحات عین الحیات: تألیف حسین بن علی الواهظ الکاشفی البیهقی در ۵۹۰۹ هـ
- ۱۰- سیر السلف (۹)
- ۱۱- الضوء اللامع فی اعیان القرن التاسع: تألیف شمس الدین محمد بن عبدالرحمن السخاوی (م ۹۰۲ هـ)
- ۱۲- طبقات الصوفیه: تألیف شیخ ابو عبدالرحمن محمد بن حسین السلمی نیشاپوری (م ۴۲۲ هـ)
- ۱۳- طبقات الفقها: تألیف شیخ ابواسحاق ابراهیم بن علی شیرازی (م ۴۷۶ هـ)
- ۱۴- قصص الانبیا (۹): چند کتاب بعنوان قصص الانبیا از اشخاص مختلفه تألیف شده است مانند:
- (۱) امام علی بن حمزه النحوی القاری
- (۲) شیخ سهل بن عبدالله تستری
- (۳) عز الملک محمد بن عبدالملک
- (۴) محمد بن حسین الدراوی
- (۵) ابواسحاق احمد بن محمد ابراهیم نیشاپوری الثعلبی (م ۴۲۷ هـ)
- (۶) ابراهیم بن خلف نیشاپوری
- در این صورت تعیین کتاب مورد استفاده مؤلف ممکن نیست.
- ۱۵- کشف المحجوب: تألیف شیخ ابوالحسن علی بن عثمان الهجویری الغزنوی اللاهوری (م بعد از ۴۶۴ هـ)
- ۱۶- مختصر اصول جزری: (۹)
- ۱۷- مرآة الجنان و عبرة الیقضان: تألیف عقیف الدین ابو محمد عبدالله بن اسعد معروف به امام یافعی (م ۷۶۸ هـ)
- ۱۸- مقصی اقصی (۹)
- ۱۹- نفحات الانس: تألیف مولانا نورالدین عبدالرحمن جامی (م ۸۹۸ هـ)

۶) مختصّات مهم کتاب:

سنوات الاتقیاء از تذکرة‌های مهم صوفیه است و مزیت‌های گوناگون دارد؛ ولی چون فعلاً فرصتِ وافی برای شرح و تفصیل آنها در دست نیست، لهذا ما اینجا فقط بر بیانِ بعضی از نکاتی که در بادی النظر توجه را بخود جلب می‌نماید، اکتفا می‌کنیم و شیوه و روشی که در تالیف کتاب رعایت شده به اختصار در زیر ارائه می‌دهیم:

۱- مؤلف ذکر همه اشخاص را از روی سالهای وفات آنان به ترتیب تاریخی آورده است.

۲- بخش‌های مختلف دوره اسلامی تذکرة از لحاظ قرن جداگانه به عنوان‌های «المائة الاولى» و «المائة الثانية» و «المائة الثالث» و «المائة الرابع» و مانند اینها تا قرن یازدهم مطرح شده است.

۳- مؤلف برای آوردن سال و جای وفات تقریباً تمام رجال تذکرة اهتمام ویژه‌ای ورزیده است.

۴- مؤلف در موارد اختلاف در سال و جای وفات، تمام اقوال و روایات در دست را عموماً بدون اشاره به مراجع آنها فراهم آورده است.

۵- مؤلف به ارائه ماده‌های تاریخی وفات همه اشخاص با استثنای چند، که بیشتر آنها را خود او استخراج کرده، همت گماشته است چنانکه می‌گوید:

«... و سال ارتحال اکثر ارباب کمال بآن الفاظ که از

حروف اینها سنه رحلت ایشان بحساب جمل

مستخرج گردد، دریافت.»^۱

۶- نسبتنامه‌های اکثر انبیای کرام علیهم السلام و بعضی از اشخاص دیگر هم در کتاب منقول است.

۷- تقریباً تمام ترجمه‌های احوال به استثنای چند بسیار مختصر و کوتاه است.

۸- مؤلف علاوه بر احوال عمومی زندگانی صاحب ترجمه، احوال و کیفیات فوق العاده و خوارق عادات منسوب، به بعضی مشایخ معروف را هم بیان کرده است.

۹- ضرب المثلها و اقوال گزیده مشایخ معروف هم ضمناً و احياناً نقل شده که انتخاب آن ظرافتِ طبع و ذوق لطیف ادبی و عرفانی مؤلف حاکی است.

۱۰- مؤلف گاه گاه وجه تسمیه بعضی اشخاص و جایها را هم بیان کرده است چنانچه در ضمن احوال بعضی عرفا می نویسد:

الف - امام موسی کاظم: «او امام هفتم است از ائمه اثنی عشریه؛ کنیت او ابوالحسن و ابوابراهیم است؛ و او را کاظم از آن گویند که تحمل ایذای مردم بسیار می کرد...»^۱

ب - شیخ نجم الدین کبری: «... و لقب او از آوان طلب علم «الطامة الكبرى»، بود از آنکه جدل و بحث بسیار کردی. طلبه علم ورود او را به مدرسه تشبیه به قیامت می دادند. غالباً از جهت کثرت استعمال لفظ (الطامة) ساقط گشت و (کبری) هروی لقب ماند.»^۲

۱۱- مؤلف در ذیل سنین، بعضی وقایع مهم سیاسی و تاریخی و اجتماعی و عمومی را مانند تخت نشینی و معزولی پادشاهان و گسترش بیماری های کشنده عفونی مانند طاعون و وقوع قحط شدید و غیره هم بیان کرده است؛ چنانچه او واقعه همزمان طوفان شدید باد و باران و سیلاب را که در شعبان ۱۰۳۹ هـ در مکه معظمه اتفاق افتاد چنین توصیف می کند:

«در مکه معظمه آخر روز چهارشنبه به پنج ساعت نجومی باران حوادث نشان بارید و قبل از شام آن روز به سه ساعت سیل از اطراف کعبه مکرمه روان شد و به کعبه میل نمود بحدی که مقام ابراهیم زیر آب غرق شد، و آب از عتبه عالی که زیاده از قد آدم بلند قامت است بالا رفت بلکه از زنجیر در شرافت اثر که میان باب معلق و مطوق است برگذشت، و درون خانه کعبه تا بیک قد آدم آب ایستاد؛ و شب پنجشنبه خانه کعبه محاط آب بود، و آن روز که دو ساعت مانده بود بتاريخ بیستم شهر النبی شعبان المعظم سنه ۱۰۳۹ نصف جدار کعبه که رکن شامی و مغربی باشد و به

۱. سنوات الاتقیاء، برگ ۳۷ ب.

۲. همان کتاب، برگ ۷۲ ب و ۱۷۳.

سمت مدینه سکینه واقع بود، سر بزیر آورد و ناودان فرود افتاد. ازین حادثه خریو از عالم علوی و سفلی برخاست. بعده آب سیل از خانه کعبه بیرون آمد، صحن حرم از گلهایی که سیل آورده بود تا به کمر آدمی پُر شده بود، و قریب صدکس از مرد و زن که در مسجد الحرام حاضر بودند پایمال حادثه شدند، و قریب به چهار هزار خانه از دور و نزدیک فرو ریخته با دیوارِ خانه خدا موافقت نمودند، و تا سه روز از دهشت این واقعه مردم منتظر قیامت بودند.^۱

- ۱۲- محل وقوع قصبه‌ها و دیه‌ها و شهرهای غیر معروف مانند سرمن رای، خرتنگ، تینات، سرخیز، هارون، کچهوچه، روج، مالوه، خرار، بهور و غیره و مشخصات مختصر جغرافیایی از بعضی شهرهای معروف مانند سرهند و احمدآباد هم در موارد مختلفه در کتاب باختصار توصیف شده است.
- ۱۳- مؤلف گاه گاهی مولفات و مترجمات و ملخصات و شروح کتب مختلفه منسوب به اشخاص مذکور را هم نام می‌برد.

۷) اهمیت کتاب:

چنانکه قبلاً گفتیم سنوات الاقیاء تذکره عمومی رجال دینی و عرفانی از حضرت آدم علیه السلام تا اواسط قرن یازدهم هجری می‌باشد و اهمیت آن را از چند جنبه تذکره‌ئی و تاریخی و جغرافیایی و اجتماعی باید ملحوظ داشت و نکاتی که در ضمن مختصات مهم آن در فوق ارائه شده، اهمیت آن را تا حدی نشان می‌دهد؛ ولی باز هم اهمیت اصلی آن از روی آخرین بخشی است که شامل بیشتر از چهل شخص معاصر و همزمان مولف می‌باشند و احوال این اشخاص مبنی بر اطلاعات شخصی بی‌واسطه یا بواسطه برخی از معاصرین خود مولف می‌باشد که ثقافت آنان در نظر او مسلم بوده؛ چنانکه می‌گوید:

«... و احوال و سنوات وصال متأخران که ذکرشان بر

صفحه تالیف عزیزی نقش نبسته باطلاع خود یا

استطلاع از ثقات برنگاشت. ۱۰

بعضی از

مراجع و مأخذ مهم

- ۱- احوال العارفين تالیف غلام فرید، چاپ لاهور، ۱۹۷۹ م.
- ۲- اخبار الاخيار تالیف شیخ عبدالحق محدث دهلوی؛ چاپ دهلوی، ۱۳۳۲ هـ.
- ۳- تذکره نویسی فارسی در هند و پاکستان تالیف دکتر سیدعلی رضا نقوی؛ چاپ تهران ۱۹۶۸ م.
- ۴- حضرات القدس تالیف شیخ بدرالدین؛ چاپ لاهور، ۱۹۷۱ م.
- ۵- حضرت مجدد الف ثانی تالیف مولانا سید زوار حسین شاه؛ چاپ کراچی، ۱۹۷۲ م.
- ۶- حیات مجدد تالیف پروفیسر محمد فرمان؛ چاپ لاهور، ۱۹۵۸ م.
- ۷- خزینة الاصغیا تالیف مفتی غلام سرور لاهوری؛ جلد ۱ و ۲؛ چاپ لکھنؤ، ۱۲۹۰ هـ.
- ۸- روضة القیومیة تالیف خواجه ابوالفیض کمال الدین محمد احسان؛ چاپ لاهور.
- ۹- سفینة الاولیا تالیف داراشکوہ (ترجمه اردو) چاپ کراچی، ۱۹۷۵ م.
- ۱۰- سلسله های اسلامی ترجمه فریدون بدره ای؛ چاپ تهران، ۱۳۴۹ ش.
- ۱۱- سنوات الاتقیاء تالیف شیخ بدرالدین سرهندی؛ نسخه خطی در کتابخانه شخصی مولانا الیف الله عثمانی در سرگودھا.
- ۱۲- سیر المتأخرین تالیف غلام حسین خان طباطبایی؛ چاپ لکھنؤ، ۱۸۹۷ م.
- ۱۳- کشف الظنون تالیف حاجی خلیفه کاتب چلبی؛ چاپ استامبول، ۱۹۴۱ م.
- ۱۴- نزهة الخواطر تالیف عبدالحی بن فخرالدین الحسنی، جلد ۴ و ۵؛ چاپ حیدرآباد دکن، ۱۹۵۴ و ۱۹۵۵.